

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بخش ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

گروه زبانشناسی و زبانهای خارجی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبانشناسی همگانی

عنوان پایان نامه:

رابطه تحصیلات، سن و جنسیت با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن

در زبان فارسی

استاد راهنما:

دکتر رضا مقدم کیا

استاد مشاور:

دکتر محمدرضا احمدخانی

نگارش:

صدیقه الستی

آبان ماه ۱۳۹۱

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم که امروزم شمره زحمات دیروز آنهاست.

و

همسر مهربانم که در طول زمان تحصیل همراه و پشتیبان من ای بر ایتم بوده است.

و

همه عزیزانی که در طول دوران تحصیل کلمه ای به اینجانب آموختند.

تقدیر و شکر

از استادان کرامی:

جناب آقای دکتر رضا مقدم کیا

به خاطر راهنمایی‌های دلسوزانه و بی دریغشان که پهنه‌ای از آیین آموختن به سویم گشودند.

و

جناب آقای دکتر محمد رضا احمدخانی

که از کمک‌ها و راهنمایی‌های لازم مضائقه‌ای نفرمودند

چکیده

کلیدواژه‌ها: بیان تقاضا، پاسخ به تقاضا، تحصیلات، سن، جنسیت، ادب.

این پژوهش رابطه تحصیلات، سن و جنسیت با انواع شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن را مورد بررسی قرار داد و با توجه به فرضیه‌های پژوهش، هرکدام از این رابطه‌ها با انجام آزمونهای مختلف در نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این مطالعه در یک بیمارستان اجرا گردید که حجم نمونه به روش تصادفی طبقه‌ای ۱۰۰ نفر بود. روش تحقیق این پژوهش میدانی است و ابزار پژوهش پرسشنامه است. به منظور گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای طراحی شد که استفاده از انواع درخواست، پاسخ به درخواست و ادب را اندازه‌گیری می‌کرد. ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۷۴، کل درخواست ۰/۸۲۴ و برای کل پاسخ به درخواست ۰/۸۱۷ می‌باشد. در این پژوهش مشخص شد که تحصیلات فقط در بیان درخواست به شیوه آگاه‌کننده‌ها رابطه معنادار معکوس ضعیفی دارد ($r = -0/228$) و هیچگونه رابطه معنادار دیگری بین تحصیلات و دیگر شیوه‌های بیان درخواست و پاسخ به درخواست وجود ندارد. با بالا رفتن تحصیلات استفاده از درخواست مستقیم کمتر می‌شود و متغیر تحصیلات با متغیر پاسخ مثبت و پاسخ منفی رابطه معناداری ندارد. این پژوهش نشان داد که سن با شیوه بیان تقاضا فقط در بیان درخواست به شیوه مستقیم رابطه معنادار معکوس ضعیفی دارد ($r = -0/285$) و هیچگونه رابطه معنادار دیگری بین سن و دیگر شیوه‌های بیان درخواست و پاسخ به درخواست وجود ندارد. با افزایش سن استفاده از درخواست مستقیم کاهش می‌یابد. به علاوه متغیر سن با متغیر پاسخ مثبت و پاسخ منفی رابطه معناداری ندارد. این پژوهش نشان داد که بین جنسیت و شیوه بیان تقاضا و پاسخ به درخواست، هیچ رابطه معنی‌داری وجود ندارد. زنان در بیان درخواست خود کمتر از مردان از درخواست مستقیم، غیرمستقیم متعارف، آگاه‌کننده‌ها و پاسخ منفی به درخواست در پاسخ به تقاضا و بیشتر از آقایان از درخواست اشارات، متغیر درونی، متغیر پشتیبان و پاسخ مثبت به درخواست در پاسخ به تقاضا استفاده می‌کنند. در مطالعه‌ای دقیق‌تر روند ادب مطالعه گردید و رابطه آن با متغیرهای تحصیلات، سن و جنسیت مورد بررسی قرار گرفت. تمایل به پاسخگویی مؤدبانه در تمامی گروه‌های سنی زیاد است. زنان در پاسخ مثبت به درخواست، مؤدبانه‌تر پاسخ می‌گویند. مردان در پاسخ منفی به درخواست، مؤدبانه‌تر پاسخ می‌گویند.

فهرست

فصل یکم: طرح کلی پژوهش

- ۱-۱ مقدمه ۱
- ۲-۱ بیان مسئله پژوهش ۲
- ۳-۱ اهمیت و ضرورت پژوهش ۳
- ۴-۱ پرسشها و فرضیه‌های پژوهش ۳
- ۵-۱ روش و ابزار پژوهش ۳
- ۶-۱ متغیرهای مستقل و وابسته ۴
- ۱-۶-۱ تحصیلات ۴
- ۲-۶-۱ جنسیت ۴
- ۳-۶-۱ سن ۴
- ۴-۶-۱ بیان درخواست (بیان تقاضا) ۵
- ۵-۶-۱ پاسخ به درخواست (پاسخ به تقاضا) ۵
- ۷-۱ ساختار پژوهش ۵

فصل دوم: پیشینه پژوهش

- ۱-۲ مقدمه ۷
- ۲-۲ پژوهشگران ایرانی ۷
- ۳-۲ پژوهشگران غیرایرانی ۱۱

فصل سوم: مبانی نظری پژوهش

- ۱-۳ مقدمه ۲۳
- ۲-۳ کاربردشناسی ۲۳
- ۳-۳ کنش گفتارها ۲۴
- ۱-۳-۳ کنش - گفتار درخواست و انواع آن ۲۹
- ۲-۳-۳ انواع درخواست ۲۹
- ۳-۳-۳ انواع روش‌های بیان درخواست ۳۳
- ۱-۳-۳-۳ درخواست مستقیم ۳۴
- ۲-۳-۳-۳ درخواست غیرمستقیم متعارف ۳۸

۴۰	۳-۳-۳-۳ درخواست اشارات
۴۱	۳-۳-۳-۴ درخواست آگاه‌کننده‌ها
۴۱	۳-۳-۳-۵ درخواست متغیر پشتیبان
۴۱	۳-۳-۳-۶ درخواست متغیر درونی
۴۱	۳-۴ ادب زبانی
۴۷	۳-۴-۱ وجهه و درخواست
۴۸	۳-۵ متغیرهای اجتماعی و کنش - گفتار درخواست
۴۸	۳-۵-۱ متغیر جنسیت و درخواست
۵۳	۳-۵-۲ متغیر تحصیلات و درخواست
۵۴	۳-۵-۳ متغیر سن و درخواست
۵۶	۳-۵-۴ پاسخ به درخواست
۵۸	۳-۶ پاسخ‌های مؤدبانه به درخواست‌های مؤدبانه

فصل چهارم: روش شناسی پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۶۲	۴-۱ اجرای پژوهش
۶۲	۴-۱-۱ جامعه آماری
۶۲	۴-۱-۲ گروه نمونه و روش محاسبه حجم آن
۶۲	۴-۱-۳ روش و طرح نمونه‌برداری
۶۳	۴-۱-۴ ابزار گردآوری داده‌ها
۶۳	۴-۱-۴-۱ پرسشنامه
۶۹	۴-۱-۵ شواهد مربوط به اعتبار و روایی پژوهش
۷۰	۴-۱-۶ طرح پژوهش و روشهای تجزیه و تحلیل داده‌ها:
۷۰	۴-۱-۶-۱ روشهای توصیفی
۷۰	۴-۱-۶-۲ روشهای استنباطی
۷۱	۴-۲ تجزیه و تحلیل داده‌ها
۷۱	۴-۲-۱ توصیف آزمودنی‌ها
۷۱	۴-۲-۱-۱ جنسیت
۷۲	۴-۲-۱-۲ تحصیلات
۷۳	۴-۲-۱-۳ سن

۷۴	۲-۲-۴ توصیف داده‌ها
۷۴	۱-۲-۲-۴ بیان درخواست
۷۴	۱-۱-۲-۲-۴ درخواست مستقیم
۷۵	۲-۱-۲-۲-۴ درخواست اشارات
۷۵	۳-۱-۲-۲-۴ درخواست غیرمستقیم متعارف
۷۶	۴-۱-۲-۲-۴ درخواست آگاه‌کننده‌ها
۷۷	۵-۱-۲-۲-۴ درخواست متغیرهای درونی
۷۷	۶-۱-۲-۲-۴ درخواست متغیرهای پشتیبان
۷۸	۲-۲-۲-۴ پاسخ به درخواست
۷۸	۱-۲-۲-۲-۴ پاسخ مثبت به درخواست
۷۹	۲-۲-۲-۲-۴ پاسخ منفی به درخواست
	فصل پنجم: بحث، تفسیر و نتایج تحقیق
۸۱	۱-۵ یافته‌های پژوهش
۸۱	۱-۱-۵ تحصیلات و شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن
۸۶	۲-۱-۵ سن و شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن
۹۰	۳-۱-۵ جنسیت و شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن
۹۴	۴-۱-۵ ادب و پاسخ به درخواست
۱۰۰	۵-۱-۵ آزمون فرضیه‌ها
۱۰۲	۲-۵ نتیجه‌گیری
۱۰۴	۳-۵ بحث
۱۰۵	۴-۵ محدودیت‌های پژوهش
۱۰۵	۵-۵ پیشنهادها
	فهرست منابع و ضمائ
۱۰۶	الف) منابع
۱۱۱	ب) پیوست‌ها
۱۵۸	چکیده انگلیسی

فصل یکم

کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

زبان ابزار برقراری ارتباط و پدیده‌ای اجتماعی است و به همین دلیل می‌توان آن را با بسیاری از علوم پیوند داد و از همین طریق انعکاسش را در تمامی علوم دید. زبان بر طرز تفکر و برداشت بشر از هر آنچه با آن سر و کار دارد تأثیرگذار است. با تحولات علوم و گسترش آنها، دگرگونی‌های زبانی نیز ایجاد می‌شود. این تحولات زبانی شامل حوزه‌های معنایی، دستوری و تلفظی می‌شود که سرعت تغییرات زبانی در هر حوزه متفاوت است.

همانطور که اشاره شد برقراری ارتباط از طریق زبان صورت می‌گیرد. این برقراری ارتباط در مکان‌های مختلف و موقعیت‌های متفاوت به یک گونه نیستند. ما با افراد مختلف با توجه به جنسیت، جایگاه اجتماعی، فرهنگی و درجه ارتباط؛ به گونه‌های متفاوت ارتباط برقرار می‌کنیم. ما یاد گرفته‌ایم آنطور که با برادر، خواهر و یا دوستان صمیمی صحبت می‌کنیم؛ با پدر، مادر و استاد خود صحبت نکنیم. این شعور اجتماعی در نسل‌های متفاوت و فرهنگ‌های مختلف ترویج پیدا کرده است و در مواقعی نیز شاید مورد بحث قرار گرفته، در آن دگرگونی ایجاد شده، و حتی طرد شود و گاهی ممکن است به عنوان زیرساخت فرهنگی دیگر، مورد استفاده قرار گرفته شده باشد.

در هر جامعه، زنان و مردان، عادات، حرکات و رفتارهای اجتماعی خاص خود را دارند. در رفتار زبانی دو جنس نیز تفاوت‌های قابل ملاحظه وجود دارد. به طور کلی می‌توان گفت که در هر جامعه زبانی مردان و زنان اصطلاحات خاص و گاه حتی گرایش‌های ویژه خود را در کاربرد الگوها و ویژگی‌های دستوری و آوایی دارند. این تفاوتها در برخی از اجتماعات چندان قابل ملاحظه نیستند و ممکن است تنها اصطلاحات و ویژگی‌های واژگانی، دستوری و آوایی را شامل گردند. به‌علاوه بسیاری از مردم در جستجوی دست‌یافتن به ریشه تمایز مذکر از مؤنث با توجه به عناصر سن و تحصیلات بر حسب ایجاب اعتقادات فرهنگی جامعه نسبت به جنسیت هستند. بحث بر سر رابطه میان زبان و هویت جنسیتی، تحصیلات و سن بحث تازه‌ای نیست. هویت جنسیتی هر انسان نه تنها از طریق زبان ابراز می‌شود بلکه توسط زبان ساخته و به آزمون گذاشته می‌شود. از این منظر، شناسایی زبان، از شناسایی گوینده زبان جداشدنی است. این موضوعات ساختار عمده تفکر ما را نسبت به زنان و مردان فراهم می‌سازد.

در این پژوهش قصد داریم رابطه جنسیت، تحصیلات و سن با کنش گفتاری درخواست و پاسخ به درخواست را بررسی کنیم. آزمودنی‌ها که انتخاب شدند در پیش تست کارکنان دفتر مرکزی یکی از بانک‌های فعال واقع در تهران بودند و برای تست اصلی، کارکنان یکی از بیمارستانهای تهران در نظر

گرفته شدند که به دلیل وجود افراد در سنین، تحصیلات و جنسیت متفاوت موجود در آن به عنوان جامعه آماری انتخاب گردیدند.

لازم به ذکر است، با توجه به اینکه در عنوان این پایان‌نامه واژه تقاضا کلمه‌ای عربی می‌باشد، با مشورت اساتید راهنما و مشاور بر آن شدیم تا از معادل فارسی آن یعنی واژه درخواست استفاده کنیم. لذا در تمام این پایان‌نامه تا آنجا که روانی و زیبایی زبان فارسی اجازه می‌داد به جای کلمه تقاضا از واژه درخواست استفاده شده است.

۱-۲ بیان مسئله پژوهش:

زبان پدیده‌ای اجتماعی است و به همین دلیل برخی معتقدند که با مطالعه زبان می‌توان به ساختارهای جامعه دست یافت. زبان همواره تحت تأثیر اجتماع و شاخص‌های اجتماعی بوده و هست. شاخص‌هایی چون تحصیلات، جنسیت، سن، طبقه، جایگاه اجتماعی و..... تعیین‌کننده نوع کاربرد زبان در جامعه و اصولاً علت وجودی بسیاری از گونه‌های زبانی همین متغیرها می‌باشند. از آنجا که کاربردشناسی، مطالعه زبان در بافت است، مطالعه آن می‌تواند شکل‌های مختلفی به خود بگیرد.

یکی از اصول مهم در هر گفتگو اصل ادب می‌باشد و هیچ رویداد کلامی نمی‌تواند به خودی خود مؤدبانه یا نامؤدبانه باشد. از آنجایی که ادب یکی از شاخص‌های اجتماعی است و به لحاظ اجتماعی یک هنجار رفتاری تلقی می‌گردد، لذا به جایگاه اجتماعی گوینده در ارتباط با شنونده بستگی دارد و از این رو باید در بافت همان جامعه مورد ارزیابی قرارگیرد. از دگر سو می‌دانیم که هیچ ارتباط متقابلی در جامعه بدون موضوع وجهه نمی‌تواند وجود داشته باشد. وجهه یک ارزش اجتماعی مثبت است که بر اساس روابط متقابل اجتماعی معنا پیدا می‌کند. وجهه در روابط متقابل با دیگران می‌تواند حفظ شود، بهتر شود، آسیب ببیند و یا تهدید شود. در بیان تقاضا و پاسخ به آن، ادب و وجهه (خصوصاً حفظ و تهدید آن) از اصول بسیار مهم است. یکی دیگر از شاخص‌های بسیار مهمی که در پژوهش‌های اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، تحصیلات است. این موضوع که آیا تحصیلات با ادب، وجهه و شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن رابطه معناداری داشته باشد به درستی مشخص نمی‌باشد و به عنوان یک مسئله می‌تواند موضوع یک پژوهش در حوزه کاربردشناسی قرارگیرد. در این پژوهش تلاش می‌کنیم که از میان متغیرها به رابطه تحصیلات، سن و جنسیت با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به درخواست در زبان فارسی بپردازیم.

۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

در باره تقاضا و رابطه آن با ادب و جنسیت تحقیقاتی انجام شده است، اما تا آنجا که بررسی ما نشان می‌دهد در زمینه رابطه تحصیلات و سن با تقاضا و پاسخ به درخواست تا کنون تحقیقی صورت نگرفته است. این پژوهش که در حوزه کاربردشناسی زبان قرار می‌گیرد، مانند سایر پژوهش‌های این حوزه به روشن شدن چگونگی کاربرد زبان مدد می‌رساند. ضمن اینکه بطور خاص، مطالعات مربوط به تحصیلات در هر جامعه‌ای می‌تواند در حوزه‌های حل مسائل روانشناختی و اجتماعی روشنگر باشد. پس ضروری می‌نماید که در این زمینه پژوهش‌های بیشتری انجام گیرد.

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه تحصیلات، جنسیت و سن با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن در زبان فارسی می‌باشد.

۱-۴ پرسشها و فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالبی که ذکر شد، در این پژوهش برآنیم تا برای سؤالهای زیر پاسخ مناسبی بیابیم:

- ۱- میزان تحصیلات با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن در زبان فارسی چه رابطه‌ای دارد؟
- ۲- جنسیت با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن در زبان فارسی چه رابطه‌ای دارد؟
- ۳- سن با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن در زبان فارسی چه رابطه‌ای دارد؟

۱-۴-۱ فرضیه‌های پژوهش:

برای پاسخ به پرسش‌های ذکر شده، فرضیه‌های زیر مطرح گردید:

- ۱- تحصیلات با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن در زبان فارسی رابطه مستقیم دارد.
- ۲- جنسیت با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن در زبان فارسی رابطه مستقیم دارد.
- ۳- سن با شیوه بیان تقاضا و پاسخ به آن در زبان فارسی رابطه مستقیم دارد.

۱-۵ روش و ابزار پژوهش:

در این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی به همراه آمارهای توصیفی و تحلیلی برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. ابزار این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. این پرسشنامه شامل ۶ سؤال بیان درخواست است که در ۶ موقعیت متفاوت در نظر گرفته شده است. هر سؤال دارای ۶ گزینه می‌باشد که هر کدام یک نوع شیوه بیان درخواست را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه همچنین شامل ۶ سؤال پاسخ به درخواست در ۶ موقعیت متفاوت می‌باشد که هر کدام دارای دو نوع پاسخ مثبت و منفی است. هر

سؤال دارای ۴ گزینه است که به ترتیب از ۱ تا ۴ مؤدبانه تر می شود، به عبارتی میزان ادب را اندازه گیری می کند.

۶-۱ متغیرهای مستقل و وابسته

۶-۱-۱ تحصیلات

درسهایی که در مدارس خوانند و بیشتر در مورد مدارس عالی گفته می شود (دهخدا).

آن چه در یک موسسه آموزشی تحصیل شده است، آموزش (معین).

مجموعه مطالبی که در دانشگاه آموخته می شود تحصیلات فرد محسوب می شود. این مطالب در زمینه ها و رشته های متفاوت می باشد که در دانشگاه های متفاوت آموزش داده می شود و به دلیل گستردگی مطالب هر فرد فقط می تواند گوشه ای از این مطالب که مربوط به رشته خویش می باشد را تحصیل کند.

۶-۱-۲ جنسیت

رجولیت یا انوئیت افراد (معین).

تفاوت های زیادی بین دو جنس زن و مرد وجود دارد، عادات، حرکات و رفتارهای اجتماعی خاص این دو جنس را از هم متمایز می کند. حتی در رفتار زبانی دو جنس نیز می توان تفاوت هایی مشاهده کرد. در هر جامعه زبانی زنان و مردان دارای اصطلاحات خاص هستند و حتی گرایش های ویژه خود را در کاربرد الگوها و ویژه گی های دستوری و آوایی نشان می دهند. به علاوه، رفتارهای زبانی معمولاً با رفتارهای غیرزبانی (نظیر حرکات دست، سر و صورت و غیره) که دارای ارزش ارتباطی معینی هستند، همراهند. همبستگی این مجموعه رفتاری زبانی و غیرزبانی با جنسیت نیز بویژه هنگامی برجسته می شود که مثلاً مردی با بکارگیری ویژگی های زبانی و رفتار غیرزبانی زنانه سخن بگوید (مدرسی ۱۳۶۸).

۶-۱-۳ سن

عمر (معین).

سالهای زندگی از زمان بدنیا آمدن تا مردن هر فرد عمر او در نظر گرفته می شود و تعداد این سالها سن وی محسوب می گردد.

۱-۶-۴ درخواست (بیان تقاضا)

به اعتقاد لیکاف (۱۹۷۵) درخواست (تقاضا) و پاسخ به آن، بخشی از تبادل صحبت برای دادوستد کالا و یا درخواست برای انجام کاری است و این که رعایت ادب هنگام درخواست کردن، محور تبادل اجتماعی است. به اعتقاد او راه‌های مختلف درخواست، به لحاظ رعایت ادب هنگام تبادل اجتماعی با هم تفاوت دارند. "ممکن است آن کتاب را به من بدهی؟" درخواستی نسبتاً مؤدبانه در میان دوستان است. اما همین درخواست به صورت "آن کتاب را به من بده" مؤدبانه نیست.

به طور کلی هر صورت زبانی که برای انجام عمل درخواست بکار رود، تقاضا نامیده می‌شود. تفسیر عبارات تقاضا، وابسته به گوینده (بیان کننده درخواست) و شنونده‌ای (مخاطب درخواست) است که بافت مشترکی دارند. در واقع کاربرد اصلی عبارات تقاضا یا درخواست، در تعامل‌های کلامی رودررو است که در آن پاره‌گفت‌های تقاضا برای افراد حاضر در بافت به سادگی قابل فهم است (یول، ۱۹۹۶).

۱-۶-۵ پاسخ به درخواست (پاسخ به تقاضا)

همانطور که هر تقاضا را به طریقی از کسی درخواست می‌کنیم، مخاطب نیز به طریقی آن را پاسخ می‌گوید. به عبارتی دیگر همانطور که راه‌های زیادی برای درخواست کردن وجود دارد، راه‌های زیادی برای پاسخ دادن به آن درخواست نیز وجود دارد به صورت پاسخ مؤدبانه و یا غیرمؤدبانه، پاسخ مثبت و یا منفی (کلرک، ۱۹۷۹).

پاسخ به درخواست به هر صورت که باشد در اصل عکس العمل مخاطب به خواسته تقاضاکننده است که با توجه به بسیاری از شاخصه‌ها (تحصیلات، جنسیت، سن و...) در افراد مختلف از لحاظ درجه ادب متفاوت می‌باشد.

۱-۷ ساختار پژوهش:

فصل اول این تحقیق به بررسی پرسش، هدف، فرضیه، اهمیت و ضرورت پژوهش و تعریف اصطلاحات کلیدی اختصاص دارد. در فصل دوم، پیشینه پژوهش و مطالعات تجربی در زمینه جنسیت، تحصیلات و سن و تقاضا و پاسخ به تقاضا بررسی خواهد شد. فصل سوم شامل مبانی نظری می‌باشد. فصل چهارم به روش پژوهش و تجزیه و تحلیل داده‌ها خواهد پرداخت و فصل پنجم نیز نتیجه‌گیری، محدودیت‌های پژوهش، کاربردها و پیشنهادهایی برای پژوهش بیشتر را در بر خواهد گرفت.

فصل دوم

پیشینه پژوهش

۲-۱ مقدمه

در این فصل مروری داریم بر آثار محققانی که به نوعی با موضوع پایان‌نامه مرتبط می‌شوند و از یافته‌ها و دستاوردهای آنها در این پایان‌نامه استفاده شده است. این مطالب در دو بخش محققان ایرانی و غیرایرانی بررسی شده است.

۲-۲ پژوهشگران ایرانی

یعقوبی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "تأثیر جنسیت بر شیوه بیان تقاضا در زبان فارسی" به این نتیجه رسیده است که به نظر میرسد تقاضای مستقیم از درجه ادب کمتری برخوردار است. درجه ادب در تقاضای غیرمستقیم متعارف بیشتر از تقاضای مستقیم است و درجه ادب در اشارات، بیشتر از تقاضای غیرمستقیم متعارف است. به همین منوال درجه ادب افزایش می‌یابد تا در متغیرهای درونی، حداکثر درجه ادب اجتماعی را می‌توان مشاهده کرد. او می‌گوید که نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که زنان تقاضای غیرمستقیم متعارف و اشارات را نسبت به مردان کمتر به کار می‌برند و در صحبت کردن مؤدبانه‌تر از مردان رفتار می‌کنند و نیز در ارتباطاتشان محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کنند. وی معتقد است که زنان بیشتر از آگاه‌کننده‌ها، تقاضاهای پشتیبان و متغیرهای درونی استفاده کرده‌اند، این نشان‌دهنده این است که زنان یاد گرفته‌اند از شکل‌های مؤدبانه‌تر، ضعیف‌تر، متواضعانه‌تر و نیز محجوب‌تر استفاده کنند. از طرف دیگر بنا به تفاوت‌های اجتماعی موجود در جامعه بین زنان و مردان، این موضوع نیز مورد تأیید واقع می‌شود، زیرا از زنان انتظار می‌رود متین‌تر و با وقارتر و به عبارت دیگر مؤدب‌تر در برخوردهایشان با دیگران چه جنس مخالف و چه موافق باشند. این نیز قابل ذکر است که خانمها و آقایان هر دو با جنس مخالف مؤدب‌تر هستند تا با جنس موافق.

ابزار پژوهش پرسشنامه می‌باشد. وی با طرح ۱۲ پرسش باز-پاسخ و توزیع آنها در یکی از دانشگاهها در بین دانشجویان مذکر و مؤنث به این نتایج دست یافت.

اسلامی راسخ (۱۳۷۲) "مقایسه گفتارهای امری بین سخنگویان دو زبان انگلیسی و فارسی" را مورد بررسی قرار داده است. و از تحقیقاتش چنین نتیجه‌گیری کرده است که سخنگویان فارسی‌زبان در بیان تقاضاهایشان در قیاس با سخنگویان امریکائی انگلیسی‌زبان صریح‌تر و مستقیم‌تر بودند. فارسی‌زبانان در بیان درخواستهایشان از آگاه‌کننده‌ها، حرکت‌های حمایتی و تعیین‌کننده‌های درونی بیش از انگلیسی‌زبانها استفاده می‌کردند. به نظر وی کاربرد این استراتژی‌ها، می‌تواند از درصد مستقیم بودن‌شان بکاهد. او

همچنین بیان می‌کند که این اختلافات ممکن است باعث مشکلات در مکالمه بین فرهنگ‌ها شود. لذا آموزش این قراردادها در هنگام یادگیری زبان دوم مفید خواهد بود.

هدایت (۱۳۷۳) تحقیقی در باره "گفتارهای امری، دستور و خواهش در گفتار زنان و مردان دانشگاه شیراز" انجام داده است. او اظهار می‌دارد که تفاوت‌های گفتاری میان زنان و مردان در هر جامعه‌ای از جمله ایران با توجه به فرهنگ، اعتقادات و نوع زندگی فرق می‌کند. به عنوان مثال در بعضی از زبانها تعدادی از واژگان و صورت‌های آوایی کلام را تنها زنان و برخی دیگر را فقط مردان به کار می‌گیرند. او اعتقاد دارد که نه تنها زنان در نوع گفتارشان شاخص‌های مربوط به خود را دارند بلکه این شاخص‌ها بسته به موقعیت و طبقه اجتماعی، سن، میزان تحصیلات و شغل آنها متفاوت است. وی در انتها چنین نتیجه گرفته است که زنان به نحوه بیان درخواستهایشان به ویژه در موقعیت‌های رسمی و اجتماعی بیش از مردان توجه نشان می‌دهند. از طرف دیگر، زنان در این نوع رفتارهای کلامی، رسمی‌تر و محافظه‌کارانه‌تر از مردان عمل می‌کنند و این مسئله را می‌توان تا حدی با رعایت ادب اجتماعی آنان در گفتار مرتبط دانست.

نوشین فر (۱۳۷۴) پژوهشی در باره "زبان، جنسیت و اجتماع" انجام داده است و در آن به جایگاه نقش و تأثیرات در رکن اصلی جامعه بشری یعنی زن و مرد در اجتماع از دیدگاه زبان و زبان‌شناسی اشاره کرده است. وی معتقد است که علاوه بر اینکه عامل جنسیت، جنبه بیولوژیک دارد اما از آنجا که زنان و مردان نقش‌های اجتماعی کاملاً یکسانی ندارند، جنسیت نیز یک عامل اجتماعی به شمار می‌رود و این باعث می‌شود که گونه‌های گفتاری زنان از مردان متمایز شود. او اظهار می‌دارد که گروه‌های مذکر با سلسله مراتب برتری و تفوق پایدار و مقاوم نسبت به زنان مشخص می‌شوند، و در گفتگو مردان بیشترین میزان صحبت را ارائه می‌دهند و این نشانگر این است که زنان همواره پایگاهی پائین‌تر از مردان دارند که باعث می‌شود در جامعه ما زنان نسبت به مردان در محرومیت قرار بگیرند.

یگانه (۱۳۷۵) پژوهشی در باره "مطالعه تأثیر جنسیت و سن گوینده و نیز شنونده بر میزان ادب در مدارس دولتی شهر اصفهان و دانشجویان دانشگاه اصفهان" انجام داد. او به این نتیجه رسید که دختران دانش‌آموز و دانشجوی فارسی‌زبان از پسران همان مقطع مؤدب‌تر هستند و سن نقش معنی‌داری در میزان ادب ندارد، به طوری که خانم‌های دانش‌آموز و دانشجوی فارسی‌زبان از آقایان دانش‌آموز و دانشجو مؤدب‌تر هستند. خانم‌ها و آقایان هر دو با جنس موافق مؤدب‌تر هستند تا با جنس مخالف. خانم‌ها و آقایان هر دو با سن‌های بالاتر مؤدب‌تر هستند تا با افراد هم‌سن.

شیربان ساسی (۱۳۷۵) تحقیقی در باره "تحلیل مقابله‌ای گفتار مؤدبانه در زبان فارسی و انگلیسی بین دانشجویان زبان انگلیسی با در نظر گرفتن عنصر جنسیت" انجام داده است. وی چنین اظهار می‌دارد که اولاً میزان مؤدب بودن گفتار چه در بین دانشجویان مذکر و چه در بین دانشجویان مؤنث در استفاده از هر دو زبان فارسی و انگلیسی تقریباً یکسان است. اما از آنجائیکه زنان بیشتر از مردان حساس هستند از ساخت‌های مؤدبانه بیشتر از مردان استفاده می‌کنند، و این پدیده در زبان‌آموزان زن در هنگام مکالمه با انگلیسی‌زبانان نیز دیده شد به طوری که زبان‌آموزان مؤنث از گفتار مؤدبانه‌تری نسبت به زبان‌آموزان مرد در گفتگو با انگلیسی‌زبانان استفاده کردند. از طرف دیگر، زبان‌آموزان مرد در مکالماتشان با بومی‌زبانان رک و صریح‌تر ظاهر شدند. ثانیاً در استفاده از دو زبان فارسی و انگلیسی دانشجویان مؤنث تمایل بیشتری به انتخاب گفتارهای مؤدبانه‌تر دارند.

مهدی‌پور (۱۳۷۸) در تحقیق خود به مطالعه پی‌آمد آن دسته از عوامل زبانی که توسط زنان انتخاب می‌شود، و به بررسی بسامد آن دسته از عوامل زبانی می‌پردازد که نشان‌دهنده عدم قاطعیت و قدرتمندی گوینده می‌باشد. یعنی به بررسی مسئله قدرت در گفتار زنان تهرانی در مقایسه با مردان تهرانی با توجه به دو متغیر فردی سن و تحصیلات، و به این نتیجه رسیده است که زنان در کلام خود از عوامل ضعف و عدم قاطعیت، بیش از مردان بهره می‌گیرند. در میان افراد گروه سنی پائین (۱۴-۱۸) نیز بکارگیری این عوامل بیش از گروه سنی بالا (۲۲-۲۵) است. عامل تحصیلات نیز در بکارگیری عوامل عدم قطعیت تأثیر دارد. اگر چه تأثیر آن به اندازه عامل سن و جنسیت نیست ولی قطعیت در گفتار افراد با تحصیلات پائین، کمتر است.

عامل موسوی (۱۳۶۸) در پایان‌نامه خود به "بررسی رابطه گفتار مؤدبانه و جنسیت" پرداخته و به دو نوع گفتار مؤدبانه اشاره کرده است:

گفتار مؤدبانه مثبت: در این نوع گفتار مؤدبانه، گوینده با شنونده خود به عنوان یک دوست مورد احترام و علاقه رفتار می‌کند.

گفتار مؤدبانه منفی: در این گفتار مؤدبانه، گوینده گفتار خود را بر پایه عدم تهدید آبروی شنونده تنظیم می‌کند. همچنین سه عامل اصلی را در بکار بردن میزان بالای گفتار مؤدبانه بیان نموده است:

الف) برتری اجتماعی شنونده

ب) فاصله اجتماعی گوینده و شنونده

ج) وجود احتمال تحمیل در گفتار

وی در تحقیق خود تعداد کل عوامل مؤدب‌ساز گفتاری را که زنان بکار می‌برند بیشتر از تعداد این عوامل در گفتار مردان دانسته است و زنان بدین جهت مؤدب‌ترند که احساس می‌کنند:

الف) همیشه با برتر از خود صحبت می‌کنند.

ب) همیشه با شنونده خود فاصله اجتماعی دارند.

ج) همیشه احتمال تحمیل در گفتار ایشان وجود دارد.

او خاطر نشان می‌سازد هر چه تفاوت نقش‌های اجتماعی زنان و مردان در جامعه‌ای بیشتر باشد، تفاوت زبانی آنها نیز بیشتر و انعطاف‌ناپذیرتر خواهد بود و هرچه این تفاوت‌ها کاهش یابد، تفاوت‌های زبانی نیز رو به کاهش خواهد گذارد. با این وصف بنظر می‌رسد که با بالا رفتن سطح تحصیلات و اشتغال زنان در جوامع مختلف و طبعاً در ایران و مشابه شدن نقش‌های اجتماعی ایشان با مردان، می‌توان پیش‌بینی کرد که تفاوت‌های زبانی دو جنس و از جمله تفاوت میزان مؤدب‌بودن آنها نیز کاهش خواهد یافت.

وی معتقد است که زنان عوامل مؤدب‌ساز ادب را بیش از مردان استفاده می‌کنند. همچنین زنان از ضمایر و افعال جمع در شرایط وجود فاصله اجتماعی بیش از مردان استفاده می‌کنند، یعنی فاصله اجتماعی را بیش از مردان رعایت می‌کنند. زنان نسبت به عدم رعایت نیاید‌های زبانی حساسترند و آنها را کمتر از مردان بکار می‌برند. همچنین مردان و زنان در صورت غیرهمجنس بودن شنونده، گفتار مؤدبانه‌تری را پیش می‌گیرند.

حاجی کاظمی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه خود با عنوان "بررسی رعایت ادب در کنش‌های بیانی زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی" به این نتیجه دست یافته است که میان جنسیت و نوع کنش گفتاری ارتباط آماری معنی‌داری وجود دارد. بدین ترتیب که مردان بطور معنی‌داری بیشتر از زنان از کنش‌های گفتاری مستقیم در بیان تقاضاهای خود استفاده می‌کنند و هر دو جنس با افزایش سطح تحصیلات بیشتر از کنش گفتاری غیرمستقیم استفاده می‌کنند.

مدنی وصال (۱۳۸۹) در رساله کارشناسی ارشد خود با عنوان "بررسی تأثیر فاصله سنی و جنسیت مخاطب بر کاربرد زبان مؤدبانه در روابط خویشاوندی تهرانی‌ها" به این نتایج دست یافته است که نسل میانسال نسبت به نسل جوان در زمینه خطاب و بیان درخواست مؤدبانه‌تر برخورد می‌کنند. در نسل میانسال زنان در خصوص بیان درخواست، و مردان در خصوص خطاب مؤدبانه‌تر برخورد می‌کنند. در نسل جوان، مردان در زمینه بیان تقاضا و زنان در زمینه خطاب مؤدبانه‌تر برخورد می‌کنند.

عبداللهی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود با عنوان "هنجارهای ادب و بی‌ادبی در بین دانش‌آموزان دختر دبیرستانی" به بررسی ادب پرداخته و اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند: در موقعیت‌هایی که فاصله و قدرت وجود دارد، ضمایر منفصل و متصل جمع استفاده از کلمات محترمانه هنگام بیان درخواست، استفاده از عذرخواهی، معیار رفتار مؤدبانه محسوب می‌شوند. اما در موقعیت‌هایی که فاصله و قدرت وجود ندارند، رعایت موارد ذکر شده، معیار رفتار مؤدبانه محسوب نمی‌شوند. همچنین او معتقد است که رفتار گفتاری زنان در پیوستار ادب و بی‌ادبی در بخش ادب قرار دارد.

پژمان فرد (۱۳۸۳) در پژوهش خود تحت عنوان "خط مشی‌های ادب: درخواست کردن و معذرت‌خواهی در گویش گفتاری زبان" به این نتیجه رسیده است که ۱- گویشوران زن در درخواست‌های خود بیشتر افعال وجهی را به کار می‌گیرند و درخواست خود را بیشتر به صورت سؤال بیان می‌کنند و بیان درخواست به صورت مستقیم و غیرمستقیم کمتر دیده می‌شود. ۲- در خصوص معذرت‌خواهی، تفاوت زیادی در الگوهای مورد استفاده مردان و زنان دیده نمی‌شود. ۳- گویشوران زبان فارسی معذرت‌خواهی را به عنوان یک ابزار نزاکت منفی بکار می‌گیرند.

مصطفوی (۱۳۸۴) در تحقیق خود با عنوان "بررسی قدرت در گفتار زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی در گفتگوی تلفنی و اداری" به این نتایج رسیده است: در مورد کنش مستقیم و سن: با افزایش سن میزان کاربرد کنش مستقیم نیز افزایش می‌یابد. در هر گروه مرد و زن، با افزایش سن، در صد قطع گفتار نیز افزایش می‌یابد. میزان بکارگیری متغیرهای کنش مستقیم، ضمیر و شناسه اول شخص مفرد در مردان بیشتر از زنان، در گروه‌های سنی بالا بیشتر از جوانان و در رده‌های شغلی بالا بیش از افراد در رده‌های شغلی پایین‌تر است.

افتخاری (۱۳۷۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "قطع گفتار در گفتگوهای زوج‌های فارسی‌زبان تهرانی" اظهار می‌دارد که قطع گفتار بیشتر توسط زنان صورت می‌گیرد و با بالا رفتن سطح تحصیلات و سن میزان قطع گفتار کاهش می‌یابد.

۲-۳ پژوهشگران غیر ایرانی

بلوم - کولکا^۱ (۱۹۸۳) در نتیجه تحقیقی که در زبان انگلیسی و عبری به منظور بررسی ارتباط میان بکارگیری اصول ادب و بیان غیرمستقیم طرح‌ریزی شده بود، بیان غیرمستقیم تقاضا را در شرایط متعارف یکی از خصوصیات اصلی مؤدب بودن ذکر می‌نماید (مدنی وصال، ۱۳۸۹ به نقل از بلوم-کولکا).

¹ - Blume-Kulka